

باسمه تعالی

دفاعی عقیم و پرهزینه / حکومت علوی : بعثت عدالت

مدتی است برخی مبلغان و واعظان مشهور و محترم کشور، در دفاع و توجیه مشکلات موجود کشور، اوضاع حاکم بر حکومت امام علی - علیه السلام - را مطرح و وضعیت موجود را با حکومت مولا - علیه السلام - مقایسه می کنند! و آخرین آن، حرکتی بود که یکی از سخنرانان در چهارم مردادماه امسال (۱۴۰۲) انجام داد. در گذشته هم طلبه‌ای جوان مطرح کرد که حدود (یا بیش از) ثلث نهج البلاغه، راجع به متخلفان اقتصادی و غیر اقتصادی از کارگزاران حکومت علوی است. دیگری در مشهد مقدس مطرح کرد که حدود سی فساد در حکومت امام - علیه السلام - بوده است که امام نتوانسته‌اند آن‌ها را معالجه کنند. چنان که واعظ دیگری در پاسخ به سوال یکی از اصحاب رسانه که مطرح کرد (بدین مضمون): به نظر شما، امام خمینی و رهبران انقلاب ایران تا چه حد در پیاده کردن اهداف خود موفق بوده اند؟ پاسخ داد: من سوال را به شما برمی گردانم و می پرسم: اصولا پیامبران و پیامبر اسلام - صلی الله علیه و آله - تا چه پایه موفق بوده‌اند؟ (استفهام انکاری)

طبیعی است که این حضرات، خود را موظف به دفاع از عملکردها و وضعیت موجود دانسته و به گمان خویش، تکلیف خود را انجام داده‌اند و از نظام، انقلاب و مسئولان دفاع جانانه کرده‌اند؛ قهرا در آینده هم شاهد ادامه این حرکت خواهیم بود. و از آن جا که عموم این آقایان، از چهره‌های انقلابی و از موقعیت قوی در امر تبلیغ برخوردار و صاحب تریبون‌های حساس‌اند (و اگر چنین نبود این جانب ورود نمی کردم) حقیر به تحلیل و بررسی این حرکت می پردازم. حاصل پرداختن به ادله ذیل، چیزی جز اثبات عقیم بودن این نوع دفاع (توهم دفاع) و پرهزینه بودن آن نیست؛ بدین قرار:

۱. آن چه این آقایان بیان می کنند یا در اصل خلاف واقع، یا غیر ثابت، یا راست ناقص و یا به قدری آمیخته به مبالغه است که هیچ کم از کذب ناموجه ندارد. با پوزش از اطاله نوشته، ناچارم توضیح کوتاهی در این باره داشته باشم.

نهج البلاغه شریف - طبق برخی شمارش‌ها- دارای ۲۴۱ خطبه، ۷۹ کتاب و نامه و ۴۸۰ حکمت است. (مطابق نهج البلاغه فیض الاسلام) در نامه ۲۰، ۴۰، ۴۱، ۴۳، ۴۵ و ۷۱ اشاره به تخلف‌هایی شده است. این احتمال بسیار موجه است که مخاطب نامه ۴۰ و ۴۱ یک نفر (عبیدالله بن عباس) است. چنان که در نامه ۴۳ صرفاً اشاره به گزارشی علیه مصقلة بن هبیره شیبانی است که با توجیه وی، امام - علیه السلام - دفاع او را می‌پذیرند. همچنین نامه ۴۵ راجع به عثمان بن حنیف است که کار ناروای او صرفاً نشستن بر سر سفره‌ای بود که اغنیا بر آن حاضر و فقرا غائب بودند. (وَمَا ظَنَنْتُ أَنَّكَ تُجِيبُ إِلَى طَعَامِ قَوْمٍ عَائِلُهُمْ مَجْفُوفٌ وَ غَنِيَّهُمْ مَدْعُوفٌ)

این جانب هیچ توجیه نیستم که با این وضعیت، با گفته‌ای که ثلث نهج البلاغه را راجع به برخورد با کارگزاران فاسد میدانند، چه برخوردی باید داشت؟!!

حضراتی که این اندک تخلفات را برای برخی توجیهات، جسیم می‌کنند؛ از برخورد قاطع، روشن، سریع و عبرت‌آموز حضرت هم بگویند تا معلوم شود بیان‌ها تا چه پایه ناقص است!! برای نمونه خوانندگان محترم رفتار امام را با ابن هرمه (دعائم الاسلام، ج ۲ ص ۵۳۲) مطالعه کنند تا معلوم شود برخی نقل‌ها تا چه پایه راست ناقصی است که هیچ کم از خلاف واقع گفتن ندارد.

در مقایسه و تشبیه باید به همه اقتضائات تشبیه، توجه کرد. حکومت امام علی - علیه السلام - در طول چهار سال و چند ماه بر سرزمین پهناور اسلام که عراق و ایران بخشی از آن است بعثت عدالت بود که هرگز - هرگز - نباید رفتاری این چینی با آن داشت!

نسبت به سخنی که به حدود ۳۰ فساد در زمان حکومت امام علی علیه السلام اشاره می‌کند، باید توجه کرد که این فسادها، هیچ ربطی به امام نداشته و میراثی بوده که از حاکمان و حاکمیت ناتوان و فاسد قبل به ارث رسیده بود. (قد عملت الولاية قبلي أعمالا خالفوا فيها رسول الله صلى الله عليه وآله...) و حضرت نمی‌توانستند با سرعت و به راحتی آن‌ها را ریشه‌کن کنند (وَلَوْ حَمَلْتُ النَّاسَ عَلَى تَرْكِهَا وَ حَوْلَتْهَا إِلَى مَوَاضِعِهَا.... لَتَفَرَّقَ عَنِّي جُنْدِي حَتَّى أَبْقَى وَحْدِي....) و این چه ربطی به کژی‌ها و ناراستی‌های مورد نظر دارد؟ ضمن این که مبنای این گفته، روایتی است که فاقد سند معتبر است؛ هر چند اگر واجد سند معتبر هم بود، برای اثبات مطلب کافی نبود؛ زیرا خبر واحد هر چند واجد سند معتبر باشد، برای اثبات غیر احکام شرعی کافی نیست.

سند روایت این است: «علی بن ابراهیم عن ابیه عن حماد بن عیسی عن ابراهیم بن عثمان [عمر] عن ابان بن ابی عیاش عن سلیم بن قیس اسدی (روضه کافی، ص ۵۸، ح ۲۱) این سند به دلیل اشمال بر ابان بن ابی عیاش ضعیف است. البته در روضه کافی از ابان یاد نشده است، لکن مطابق موازین رجال بین ابراهیم بن عثمان [عمر] و سلیم بن قیس، این شخص واسطه در نقل است.

۲. نباید تردید کرد دفاع‌هایی این چنین، هرگز منتقد به وضعیت موجود در جمهوری اسلامی ایران را معتقد به این روش حاکمیتی نمی‌کند؛ بر عکس، چوب حراج بر تراش می‌زند که بگویند: پس هر حکومتی از اسلام وضعیتش چنین است! من نمی‌دانم آن حضرات در آینده در نیمه شعبان، چگونه می‌خواهند از حکومت مهدوی بگویند و فریاد زنند که: «يَمْلَأُ اللَّهُ بِهِ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا بَعْدَ مَا مُلِئَتْ ظُلْمًا وَجَوْرًا»؟

۳. این گونه سخنرانی‌ها، تأمین خاطر دادن به مسئولانی است که هیچ نیازمند به تأمین خاطر نیستند، بلکه بیش از هر چیز و هر زمان محتاج شنیدن نقدهای منصفانه، خالی از سفیدنمایی ناموجه (و البته به دور از سیاه‌نمایی) هستند.

۴. دفاع از انقلاب و نظام البته با پذیرش برخی کاستی‌ها، خود تحریمی و ... راه دیگری دارد که صاحبان احساس تکلیف در اینبار باید به آن پردازند.

در پایان تذکری مشفقانه و ناصحانه به این حضرات باید داشت که قدری با احتیاط سخن بگویند و بدون هیچ عایدی و نتیجه، ناخواسته نسل امروز را با حکومتی که بی‌همتا در عدالت بود، بدبین نسازند. مخاطبانی هم که این سخنان را می‌شنوند، نباید این سخنان را جدی بگیرند و نسبت به آن چه باید مدافعتش باشند، بدبین شوند.

خوب است کسانی که وظیفه خطیر و ظریف دفاع از انقلاب اسلامی را بر دوش می‌گیرند، آبرو را طوری آرایش نکنند که چیزی از چشم باقی نماند! و بُن همان شاخه‌ای را که بر آن نشسته‌اند، به دست اره نسپارند!

این روزها دشمنان اهل بیت - علیهم السلام - برای دور کردن نسل جدید شیعه از دامان پاک اهل عصمت، نقشه‌های بسیار پیچیده‌ای اجرا می‌کنند؛ در چنین فضایی لازم است هر گاه به دلیلی سخنی از اهل بیت علیهم السلام می‌گوییم، مراقب سوء استفاده‌های احتمالی و قطعی، از گفته‌هایمان باشیم. سخن گفتن از

اهل بیت به هر عنوان ورود به وادی مقدس طوی است که باید با احتیاط در آن میدان قدم برداشت!
فراموش نکنیم که:

إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا.

قم - حوزه علمیه - ابوالقاسم علیدوست

۱۴۰۲ / ۵ / ۱۴